

بن‌مایه‌های غیبت امام عصر^ع در روایات

مهدی غلامعلی*

چکیده

مسأله امکان غیبت امام عصر^ع و پیشگویی این غیبت توسط دیگر حجج الهی از جمله شبهاتی است که در عصر حاضر، از جانب مخالفان مطرح شده است. آنان با زیر سؤال بردن صحت اسناد روایات غیبت، بر طبق مبانی شیعیان، مسأله غیبت امام دوازدهم را ساخته اندیشه عالمان شیعی و محدثانی چون نعمانی و شیخ مفید می‌دانند.

برای پاسخ‌گویی به این‌گونه شبهات، روایات معصومان مورد پژوهش قرار گرفت و روشن شد که صدور روایات صحیح در مسأله غیبت از سده اول تا سوم به گونه‌های مختلف نشانگر پیشگویی‌های معصومان است. البته در قرن اول، روایات معدودی به صورت اجمالی برای افراد ویژه‌ای بیان شده که نشان از اسرار بودن آن دارد، ولی در قرن دوم گسترش یافته که نشانگر شیوع این روایات است.

با بررسی اسناد روایات غیبت، می‌توان، به ضرس قاطع، به پیشگویی غیبت، سال‌ها پیش از وقوع آن اطمینان داشت و روایات صحیح آن را برای قائم آل محمد^ع اثبات کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام مهدی^ع، قائم، غیبت، غیبت امام عصر، شبهات غیبت، مهدویت، غیبت‌نگاری.

درآمد

اندیشه‌های کلامی شیعه، ریشه در بنیادهای استوار اسلامی دارد. بن‌مایه‌ها و ریشه‌های ابعاد مختلف این اندیشه در میراث کهن و آموزه‌های قرآن و سنت قابل‌بازیابی، تحلیل، استوارسازی و گزارش است.

روشن است که در میراث کلامی شیعه بحث‌های غیبت، رجعت، علم غیب، ولایت (تکوینی و تشریحی) و عصمت از اهمیت خاصی برخوردارند و از دیرباز، زمینه‌ساز گفتگوهای بسیاری شده‌اند و بحث‌های بسیاری را دامن زده‌اند.

این مباحث - که از اختصاصات اندیشه شیعی شناخته شده است - همواره از جانب مخالفان مورد حمله و نقد قرار گرفته است. تنازعات فکری یاد شده، گاه بین‌مذهبی و گاه، درون مذهبی بوده است.

* مدرس دانشکده علوم حدیث.

اندیشوران شیعه نیز همواره بر خود واجب می‌دانستند که ضمن ترویج و دفاع از اندیشه استوار شیعی، نقدها و شبهات وارده را پاسخ گویند. شبهه‌افکنی در محدوده اندیشه اختصاصی شیعه در تمام دوران‌ها به شیوه‌های گوناگون وجود داشته است. در عصر حاضر نیز چون گذشته این روند، با سرعتی بیشتر، ادامه یافته است. تحولات سیاسی - فرهنگی نیز در کشورهای شیعی بر شبهه افکنی‌های گسترده مخالفان دامن زده است.

در میان مباحث یاد شده، مسائل مربوط به مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر روزه همه‌های سفسطه‌گرایانه‌ای به مباحث ولادت، طول عمر و بویژه غیبت امام عصر □ در قالب‌های گوناگون از جانب مخالفان رخ می‌نمایند. سامان یافتن کتاب‌های متعدد در تبیین مسأله غیبت، از دیر باز تا کنون، در جهت پاسخگویی به شبهات مطرح در این موضوع بوده است؛ به گونه‌ای که هر کتاب غیبت به دنبال رفع یکی از شبهات در زمینه غیبت امام عصر بوده است. از این رو، غیبت‌نگاری، در یک گستره زمانی، سال‌ها پیش از رخداد غیبت توسط نویسندگان و محدثان شیعی آغاز و تا به امروز ادامه داشته است.¹

این پژوهش بر آن است تا به بحث «غیبت»، چگونگی و ابعاد آن در میراث کهن بپردازد. و با بررسی روایات ریشه‌ها و بن‌مایه‌های غیبت را نخست گزارش و سپس ارزیابی و تحلیل کند. و بدین سان، به پرسش زیر پاسخ خواهد گفت:

اندیشه غیبت از چه زمانی در سنت راه یافته است؟ به عبارت دیگر، آیا این اندیشه در سنت، دیرینه‌ای بس کهن دارد و یا در سده سوم در تفکر شیعی راه یافته است؟ سؤال یاد شده، برگرفته از شبهات جدید برخی از عالمان اهل سنت، و دگراندیشان عصر حاضر است. آنان بر این باورند که غیبت، ساخته و پرداخته عالمان شیعی در سده سوم هجری است؛ چه این‌که با شهادت امام حسن عسکری □، عالمان شیعی دریافتند که جامعه شیعی با بحران امامت روبه‌رو گردیده است. از این رو، برای برون رفت از این بحران، مسأله غیبت را بنیان نهادند. این شبهات و نظایر آن، در صورتی صحیح خواهد بود که هیچ خبر و اثری در کلام معصومان وجود نداشته باشد. طبق این شبهات، باید تمام آثاری که به مسأله غیبت پرداخته‌اند، پس از سده سوم نگارش یافته باشد.

به صورت تفصیلی بخشی از شبهات غیبت در آثار مخالفان،² در چند ساله اخیر، این چنین است:

1. روایات غیبت، طبق مبانی شیعیان، از جهت سندی صحیح نیست؛

1. تنها 52 نفر از روایان شیعه از عصر حضور معصومان تا پایان قرن پنجم کتاب‌هایی در موضوع غیبت نگاشته‌اند: هیجده نفر از نویسندگان این مجموعه پیش از غیبت، پانزده نفر در دوران غیبت صغرا، و نوزده نفر در دوران غیبت کبرا تا حدود پایان قرن پنجم بوده‌اند. ر.ک: «درآمدی بر غیبت‌نگاری»، مهدی غلامعلی، *حدیث اندیشه*، شماره 3، بهار و تابستان 86.
2. برای آگاهی از شبهات مخالفان در زمینه غیبت امام عصر به کتاب‌های زیر مراجعه شد و اهم شبهات در شش دسته فوق ساماندهی گردید. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: *آمدن مهدی افسانه است*، محمد جودت الیوسف، ترجمه: اسحاق دبیری؛ *متی بشرق نورک ایها المنتظر (عجیب‌ترین دروغ تاریخ)*، عثمان بن محمد الخمیس، تحقیق: عبدالله بن سلمان، ترجمه: اسحاق دبیری؛ *مهدی موعود یا مهدی*، موهوم عبدالرحیم ملازاده؛ *بررسی علمی در احادیث مهدی*، ابن الرضا ابوالفضل برقی؛ چهار اثر یاد شده توسط انتشارات حقیقت وابسته به وهابیان در عربستان سعودی در سال 1378 ش / 1429 ق، به چاپ رسیده‌اند؛ *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوري الي ولايته الفقيه*، احمد الکاتب، بیروت: دار الجدید، 1998م؛ *اول غیبت و مهدویت در تشیع امامیه*، دکتر جاسم حسین و دکتر ساشادینا، ترجمه: محمود رضا افتخارزاده، قم: ناشر مترجم، اول.

2. مسأله ولادت و غیبت امام دوازدهم ساخته و پرداخته عالمان شیعی بوده و ریشه‌ای در روایات ندارد؛
3. روایات مربوط به غیبت همگی ساختگی است؛ چه این‌که بیشتر روایان اخبار (علل و اسباب غیبت) از غلات، مجهولان و یا از دور غگویان هستند؛
4. اعتقاد به دو غیبت ساخته نعمانی بوده و او نخستین عالمی است که این ایده را مطرح و شرح کرده است؛
5. اعتقاد به غیبت، تنها یک باور شایع و متداول شیعی بوده و روایتی در این زمینه وجود نداشته است؛
6. بیان روایات مربوط به غیبت، پیش از امام دوازدهم، در دوره شیخ مفید تدوین شده است.

ما برآنیم که موضوع غیبت، آغازین بازتابش در روایات نبوی و پس از آن، در احادیث معصومان بوده است. البته جزئیات این فرضیه (اعم از شدت و ضعف، کثرت و قلت‌های این روایات) قابل بررسی است و این پژوهش عهده‌دار آن است. برای این منظور، تمامی روایات مربوط به غیبت، گردآوری و مطالعه شده است.

اندیشه غیبت در روایات

محدثان بزرگ شیعه، در طول تاریخ، با روایت کردن آثار روایی معصومان از باورهای شیعی پاسداری کرده‌اند. مسأله «غیبت قائم آل محمد» نیز در برهه‌ای از زمان به عنوان یک باور اختصاصی در میان شیعه راه یافت. محدثان پس از عصر غیبت، با پیروی از آثار غیبت‌نگاران عصر حضور، کتاب‌های بزرگ و مفصلی را با هدف دفاع از غیبت سامان دادند. ترجیح‌بند بسیاری از این آثار را می‌توان در پیشگویی مسأله غیبت در کلام بزرگان دین مشاهده کرد. اما فارغ از پیشداوری‌های این دوران، باید روایات گزارش شده از معصومان را در این زمینه به دقت بررسی کرد تا بتوان بُن‌مایه‌های غیبت را در آنها کشف کرد. به تعبیر دیگر، باید تلاش کرد تا بتوانیم دریابیم که اندیشه غیبت از چه زمانی و چگونه در سنت راه یافته است؟

برای دستیابی به این مهم، مهم‌ترین آثار غیبت‌نگاران (باب الغیبة کتاب الکافی، کتاب الغیبة نعمانی، کتاب کمال الدین، کتاب الغیبة طوسی و ابواب الغیبة در کتاب بحار الأنوار) به طور کامل بررسی شد. سپس روایات مربوط به غیبت، با توجه به مفاد آنها، در سه فصل جداگانه تقسیم گردید:

1. روایات مربوط به وجود غیبت،
 2. روایات تبیین‌کننده چرایی غیبت،
 3. روایات تبیین‌کننده چگونگی غیبت.
- در دسته اول، روایاتی آمده که معصومان به اصل وجود غیبت، سال‌ها پیش از آن، تصریح کرده‌اند و در دسته دوم و سوم روایاتی است که اهل بیت در لابه‌لای گفتارشان به غیبت اشاره کرده‌اند، ولی به صراحت درباره آن سخن نگفته‌اند. البته باید توجه داشت که روایات مربوط به (چرایی، چگونگی و تعداد غیبت) به گونه‌ای اشاره به رویداد غیبت دارد.

آنچه این پژوهش عهده‌دار آن است، بررسی روایات دسته‌نخست است. برای این منظور، روایات هر معصوم را جداگانه مطالعه گردیده و نکات آن استخراج شده است و با توجه به زمان صدور، در چهار مرحله تقسیم‌گردید تا بهتر بتوان تحلیل آنها را ارائه داد.

مرحله نخست. دوره بیانات اجمالی (سده اول هجری)

1. غیبت در کلام پیامبر خدا □

تعداد روایاتی که از پیامبر خدا درباره غیبت گزارش شده، بسیار اندک است. شمار این روایات کمتر از بیست روایت است. روایات نبوی موجود در این زمینه را دو گروه گزارش کرده‌اند: اهل بیت □ و صحابه پیامبر خدا.

الف. روایات نبوی از طریق اهل بیت □

تعداد معدودی روایت (حدود سیزده روایت) از امامان شیعه، از پیامبر خدا درباره پیشگویی غیبت «مهدی» یا «قائم» یا «الطریذ الشریذ» رسیده است.³ این روایات از امام علی، امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا □ صادر شده است. در میان این روایات می‌توان اسناد صحیح و یا موثق را مشاهده کرد. و خواننده با بررسی اسناد و متون روایات به صدور آنها اطمینان می‌یابد. بیان یک نمونه همراه با بررسی سندی سودمند است:

امام صادق □ از پدرانش روایت کرده که رسول خدا □ فرمود: فرزندم مهدی، نامش هم نام من است و کنیه‌اش کنیه من، در خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به من است. یک غیبت و حیرتی دارد که خلق از دین خود گمراه شوند و در آن وقت است که چون شهاب ثاقب باز آید و زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان‌که پر از ظلم و جور شده است.⁴

بررسی سندی

این حدیث از جهت سندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیبایی آن در حیلولة‌های آن نهفته است و می‌توان گفت در همین جا جناب صدوق این متن را با بیش از 36 طریق گزارش کرده است.⁵

سند روایت را می‌توان «صحیح» و یا نهایتاً به‌خاطر وجود «داود بن حصین»⁶ - که واقفی است - موثق ارزیابی کرد.

3. ر.ک: *الکافی*، ج 1، ص 22، ح 14؛ *کمال الدین*، ص 51، ص 287، ح 4 و ح 5، ص 412، ح 12؛ *الارشاد*، ج 2، ص 275؛ *دلائل الامامة*، ص 455 و 468؛ *کفایة الاثر*، ص 146.

4. *کمال الدین*، ص 287، ح 4.

5. مثلاً در طبقه مشایخ نویسنده سه نفر، در طبقه مشایخ نیز سه نفر و در طبقه بعدی، نام چهار نفر دیده می‌شود. تمام این ده نفر از بزرگان شیعه و راویان معتبر هستند که در توصیف یکایک ایشان می‌خوانیم «امامی ثقة جلیل القدر». پس از این ده نفر، نام دانشمند ثقة و جلیل القدر شیعه، «حسن بن محبوب» دیده می‌شود. و پس از او، داود بن حصین است که او نیز ثقة است، ولی واقفی است. نفر آخر در سند نیز ابو بصیر است که در وثاقت او تردید نیست.

6. داود بن حصین - که استاد حسن بن محبوب است - شاگردی امامان صادق و کاظم را نموده است. نجاشی او را ثقة دانسته و طوسی در سه جا از او یاد کرده است و آن‌گاه که نام وی را در شمار اصحاب امام کاظم آورده، چنین نوشته است «واقفی». ابن داود حلی او را در شمار ممدوحین و کسانی که پیشینیان آنان را ضعیف ندانسته‌اند، آورده و سپس با عبارتی کوتاه، مخالفت خود را با واقفی بودن وی ابراز داشته است؛ چه این‌که نوشته است: «و قبیل واقفی». (*الرجال ابن داود*، ص 143). البته به نظر ابن داود چندان نمی‌توان

تحلیل روایات نبوی به گزارش اهل بیت □

به نظر می‌رسد که این روایات را اهل بیت □ از مجموعه علوم غیبی و ودایع ویژه امامت گزارش کرده‌اند، نه این‌که به صورت شفاهی و شیوه‌ی روایان از پدران خود شنیده باشند. مؤید این ادعا عموماتی است که درباره‌ی احادیث ایشان آمده است؛ مانند «حدیثی حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی و...». همچنین قراین دیگری نیز در دست است؛ مثلاً در روایتی که سدید صیرفی از حضورش در منزل امام صادق نقل می‌کند، آن حضرت شدیداً اندوهناک بوده و بر حال شیعیان در عصر غیبت می‌گریستند. امام آگاهی خود را از حال شیعیان در عصر غیبت برگرفته از مطالب کتاب جفر (از کتاب‌های ویژه در دست امامان) می‌دانند و می‌فرمایند:

امروز صبح در کتاب جفر می‌نگریستم. این کتاب مشتمل است بر علم مرگ‌ها و بلاها و مصائب، و علم گذشته و آینده تا روز قیامت که خداوند متعال به محمد و امامان بعد از او ارزانی داشته است. در آن کتاب، دیدم که نوشته‌ی قائم ما متولد می‌گردد و غیبت می‌نماید. غیبت او طولانی می‌شود و عمرش به طول می‌انجامد. در آن زمان اهل ایمان امتحان می‌شوند و به واسطه طول غیبتش شک و تردید در دل آنها پدید می‌آید و بیشتر آنها از دین خود برمی‌گردند...^۷

حتی اگر این روایات را اهل بیت □ به صورت شفاهی نیز از یکدیگر شنیده باشند، نمی‌توان آن را نشان از آگاهی عمومی مردم نیز دانست. به دیگر بیان، این‌گونه روایات به صورت اسرار در خاندان اهل بیت □ بوده که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شده است.

ب. روایات نبوی به گزارش صحابه

چهار روایت نبوی در بیان غیبت در دست است که به وسیله صحابه گزارش شده است. این روایات را جابر بن عبدالله انصاری،^۸ عمار،^۹ بُرَیْدَةُ الْأَسْلَمِيّ^{۱۰} و ابن عباس^{۱۱} نقل کرده‌اند.

از جهت سندی و همچنین تا حدودی دلالتی غیر از روایت جابر، ما بقی غیر قابل اعتماد است. روایت جابر را از کتاب *کمال الدین و تمام النعمة* می‌خوانیم:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسَ بِى خُلُقًا وَ

اعتماد کرد؛ چون نام داود را در بخش دوم کتاب هم آورده است. قاعده‌ای در علم رجال هست که بزرگان و روایان سترگ، در صورتی از کسی روایت می‌کنند که او در حالت استقامت پایبند به اعتقادات شیعیان امامی باشد و یقیناً از واقفیان در دوران و فقیهان نقل نمی‌کنند. بنا بر این، ظاهر امر، چنین است که مشابهی همچون حسن بن محبوب، پیش از آن‌که داود واقفی شود، از او روایت کرده‌اند. با توجه به این نکته، روایت «صحیح» است و اگر کسی این قاعده را نپذیرد، روایت، «موتق» خواهد شد.

7. *الغیبة*، ص 168.

8. *کمال الدین*، ص 286، ح 1.

9. *کفایة الاثر*، ص 120؛ *الصراط المستقیم*، ج 2، ص 118.

10. *مختصر بصائر الدرجات*، ص 18.

11. *کمال الدین*، ص 287، ح 7.

خُلِقًا، تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَبْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، ثُمَّ يُعْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّقِيبِ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛¹³

جابر بن عبد الله انصاری گوید: رسول خدا فرمود: فرزندان مهدی نامش هم نام من است و کنیه‌اش کنیه من، شبیه‌ترین مردم در خلقت و اخلاق به من است؛ غیبتی دارد و یک سرگردانی درباره‌اش پیش آید که امت‌ها در آن گمراه شوند. سپس چون شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان‌که پر از جور و ظلم شده است.

بررسی سندی

غیر از مفضل بن صالح¹³ و جابر بن یزید جعفی¹⁴ - که وثاقتشان مورد تردید است - تمام افراد سند، نزد رجالیان ثقة شمرده شده‌اند. اکنون بر مبنای گروهی که وثاقت این دو راوی را می‌پذیرند، این سند «صحیح علی التحقیق» است¹⁵ و حال آن‌که بر مبنای آیه الله خویی به‌خاطر وجود «مفضل بن صالح»، سند ضعیف است.

تحلیل روایات نبوی به گزارش صحابه

گذشت که تنها روایتی را که می‌توان از جهت سندی پذیرفت، «روایت جابر» است. متن این روایت نیز با دیگر آموزه‌های ما سازگار است. با توجه به این‌که راوی آن جابر بن عبدالله انصاری از بزرگان صحابه و اصحاب سرّ اهل بیت □ است، می‌توان تصور کرد که او از دانسته‌هایی که دیگران را یارای فهم نیست، آگاه باشد؛ چه این‌که همو گزارشگر حدیث لوح سبزین فاطمی است که اسامی دوازده امام در آن آمده بود و از سوی دیگر، وفاداری جابر به اهل بیت □ در عمر پُر برکت و طولانی ایشان ثابت شده است.

12. همان، ص 286، ح 1.

13. تردید در وثاقت وی ابتدا از ناحیه ابن غضائری آغاز شده و او را اینگونه توصیف کرده است: «المفضل بن صالح أبو جميلة الاسدی مولا هم النحاس ضعيف كذاب يضع الحديث». *الرجال* (ابن غضائری)، ص 88. به تبعیت از ابن غضائری، علامه حلی نیز وی را تضعیف و نامش را در بخش دوم کتابش (من ارد قوله ...) آورده است. شیخ و برقی نیز تنها به توصیف طبقه وی پرداخته‌اند. در مقابل ابن داود حلی او را در بخش ممدوحین کتابش آورده است. *الرجال* (ابن داود حلی)، ص 390 و 395. برنامه درایة النور نیز او را «امامی ثقة علی التحقیق و ربما بضعف» معرفی کرده است. آیه الله خویی وثاقت مفضل را نپذیرفته است. *معجم رجال الحديث*، ج 18، ص 227.

14. تردید در وثاقت جابر بن یزید و روایات وی ریشه‌ای بس کهن دارد. کثی روایاتی را در وثاقت و عدم وثاقت وی گزارش کرده است. از آنجا که وی به سال 128 فوت کرده بیشتر باید امام باقر را درك کرده باشد تا امام صادق. اما گزارشات روایان آن زمان بیانگر آن است که وی از صادقین روایات متعددی گزارش کرده است به گونه‌ای که زراره وقتی درباره احادیث جابر از امام صادق سؤال می‌کند، چنین پاسخ می‌شوند: «ما رأیته عند أبي قط الامة واحدة وما دخل علي قط اختيار معرفة الرجال، ص 191، ش 335 از این رو افرادی چون ابن داود نیز وی را در شمار روایان ضعیف دانسته‌اند. *الرجال* (ابن داود)، ص 546.

اما روایات مدح وی نیز در دست است که طرفداران وثاقت به آن تمسک می‌کنند مثلاً زیاد ابن ابی حلال می‌گوید درباره روایات او اختلاف داشتیم اما روزی نزد امام صادق رفتم ایشان بدون مقدمه ابتدا فرمودند: «رحم الله جابر الجعفی کان یصدق علینا لعن الله المغیره بن سعید کان یكذب علینا». *اختیار معرفة الرجال*، ص 192، ش 336 شیخ مفید، ابن غضائری، علامه حلی نیز او را توثیق کرده‌اند. درایة النور نیز درباره او نوشته است: «امامی ثقة جلیل و ربما ضعف». آیه الله خویی ضمن اعتماد به شهادت ابن قولویه، علی بن ابراهیم، شیخ مفید در رساله العدیدیه و ابن غضائری وی را ثقة دانسته است. *معجم رجال الحديث*، ج 4، ص 25.

15. مانند آیه الله سید موسی شبیری زنجانی، محققان برنامه درایة النور.

اما سه روایات دیگر، ضعف‌های جدی دارند. وجود وضاع و حدیث‌سازی چون «محمد بن عبدالله بن المطلب شیبانی» در روایت عمار و بیان اسرار ویژه، مانند غیبت و اسامی امامان، در جمعی که دشمنان اهل بیت حاضرند، در روایت بریده‌الاسلمی ما را از پذیرش این روایات باز می‌دارد.

بنا بر این از جمع‌بندی روایات صحابه به دست می‌آید که:

1. شمار روایات نبوی صادر شده درباره غیبت - که از غیر طریق امامان رسیده است - بسیار اندک بوده و کمتر از شمار انگشتان یک دست است.
 2. اسناد بیشتر این روایات ضعیف است.
 3. تنها حدیث صحیح (البته علی التحقیق) روایت اول است که در *کمال الدین* آمده است و راوی آن جابر بن عبدالله انصاری است.
 4. با این تعداد روایت نمی‌توان گفت که پیامبر مسئله غیبت را برای جامعه به صورت عمومی بازگو کرده باشند.
- بنا بر این شواهد، پیامبر خدا در هیچ جمع و جلسه عمومی درباره غیبت سخن نگفته‌اند. نهایت مطلبی را که می‌توان پذیرفت، آن است که رسول خدا برای بعضی از خواص، به صورت کالی و رمزگونه به اصل غیبت اشاره کرده‌اند که در این صورت اصحاب سری چون جابر بن عبدالله انصاری نیز از آن آگاهی داشته‌اند.

2. غیبت در کلام امیرالمؤمنین □

در روایات علوی نیز به اصل مسئله غیبت اشاره و گاه، تصریح شده است؛^{۱۶} اما شمار این روایات و فضاهای صدور آنها تأمل برانگیز است. با وجود تعدد این روایات، راویان آنها تنها چهار نفرند که عبارت‌اند از اصبع بن نباته^{۱۷}، کمیل بن زیاد^{۱۸}، حذیفه بن یمان^{۱۹} و فردی ثقه از شیعیان امام علی^{۲۰}.

اصبع بن نباته تمیمی حنظلی مجاشعی در شمار شرطه الخمیس (نیروهای ویژه)، فرماندهان و از معتمدان امام علی □ است که تا مرز مرگ و شهادت با امیر مؤمنان پیمان بسته بود.^{۲۱}

اصبع دو جریان را درباره غیبت نقل کرده است که آنها را بسیاری از متون معتبر گزارش کرده‌اند. یکی از آنها می‌خوانیم:

16. بخشی از روایات علوی به اصل وجود قائم یا ثواب انتظار بر فرج، اشاره شده است. (کمال الدین، ص 645، ح 6) و حتی در بعضی روایات به صورت ضمنی و اشاره‌ای به لوازم غیبت پرداخته شده است، *الامالی* (شیخ مفید)، ص 233، ح 4).
17. *الکافی*، ج 1، ص 338، ح 7؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 60، ح 4 و ص 140، ح 1؛ *کمال الدین*، ص 288، ح 1، و ص 302، ح 9 و ص 303، ح 15.
18. *کمال الدین*، ص 289، ح 2 و ص 292؛ *الخصال*، ص 187؛ *الارشاد*، ج 1، ص 227؛ *الامالی* (مفید)، ص 247، ح 3؛ *خصائص الاثمه*، ص 105.
19. *فضائل امیرالمؤمنین* (ابن شاذان)، ص 68.
20. ربک: *الکافی*، ج 1، ص 335، ح 3 و ص 339، ح 13؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 136، ح 2.
21. *دانشنامه امیرالمؤمنین* □، ج 12، ص 69 - 71.

روزی اصبع بن نباته امیر مؤمنان را می‌بیند که متفکرانه با سرانگشت دستش خاک‌ها را می‌کاود و سبب را می‌پرسد و امام در ضمن پاسخ به او به مسأله غیبت تصریح می‌کند:

اصبع بن نباته گوید: خدمت امیر المؤمنین \square آمدم و دیدم آن حضرت متفکر است و زمین را خط می‌کشد، عرض کردم: ای امیر مؤمنان، چرا شما را متفکر می‌بینم و به زمین خط می‌کشی، مگر به آن (خلافت در روی زمین) رغبت کرده‌ای؟ فرمود: نه، به خدا! هرگز روزی نبوده که به خلافت یا به دنیا رغبت کنم، ولی فکر می‌کردم درباره مولودی که فرزند یازدهم من است، او همان مهدی است که زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از جور و ستم پر شده باشد. برای او غیبت و سرگردانی است (هر زمانی در شهری بهسر می‌برد) که مردمی در آن زمان گمراه گردند و دیگران هدایت شوند.^{۲۲}

بررسی کلی روایات علوی

هرچند، بر حسب علم رجال، ناگزیریم تمام روایات علوی را درباره غیبت، ضعیف ارزیابی کنیم، اما روایت اول اصبع بن نباته (متن فوق) و روایت فرد ثقه از شیعیان، شمار افراد ثقه در طبقه مختلف روایت و تعدد نقل‌های مکرر این دو روایت در کتب معتبر کهن شیعه اطمینان به صحت و دور تقویت می‌کند.

همچنین، با همین نگاه می‌توان روایت کمیل را به‌خاطر تعدد نقل نویسندگان بزرگ، همچون صدوق، مفید، طوسی، سید رضی و... صادر شده تلقی کرد. مفاد این روایات قابل بررسی و دقت مضاعف است. برخی از نکات این روایات عبارت‌اند از:

1. تنها در روایت اصبع بن نباته به مسأله غیبت و حیرت تصریح شده است و در روایات دیگر، با دلالت التزامی می‌توان به غیبت پی برد.
2. فضای صدور هر دو روایت اصبع نشانگر عدم حضور دیگران است، و بیشتر به یک جریان خصوصی شبیه است.
3. باید توجه داشت که اصبع بن نباته^{۲۳} و کمیل بن زیاد^{۲۴} و حذیفه بن یمان^{۲۵} همگی از

اصحاب سرّ امام علی \square و خواصّ ایشان بوده‌اند. بنا بر آنچه گذشت، پیشگویی مسأله غیبت از جانب امام علی \square در میان اجتماعات عمومی ثابت شده نیست. نهایت مطلب، آن است که امام برای افرادی ویژه، اصل غیبت را با الفاظ گوناگون و البته مجمل بیان کرده‌اند.

22. الکافی، ج 1، ص 338، ح 7.

23. دانشنامه امیر المؤمنین \square ، ج 12، ص 69 - 71.

24. همان، ج 12، ص 295 - 298.

25. همان، ج 12، ص 106 - 111.

3. غیبت در کلام امام حسن و امام حسین □

به طور کلی، تعداد روایات حسنین □ در جوامع روایی شیعه و سنی بسیار اندک است. و روایات مربوط به غیبت نیز نسبت به روایات دیگر معصومان بسیار کمتر است؛ مثلاً در کتاب *کمال الدین* تنها شش روایت از حسنین □ درباره قائم □ گزارش شده است که فقط در سه روایت آن به مسأله غیبت اشاره شده است.^{۲۶} در کتاب *الغیبة نعمانی* روایتی از این دو امام درباره غیبت نیامده است. و در کتاب *الغیبة طوسی* تنها یک روایت از امام حسن □ آمده است. در اسناد تمام این روایات افراد ناشناخته وجود دارند.

نمونه:

... مردی از همدان گوید از حسین بن علی شنیدم که می‌فرمود: قائم این امت نهمین فرزند من است و او صاحب بیت است و اوست که زنده است و میراثش تقسیم می‌شود.^{۲۷}

تحلیل روایات حسنین □

1. با وجود سه یا چهار روایت، بر فرض حصول اطمینان صدور، نمی‌توان نتیجه گرفت که در عصر حسنین مسأله غیبت شیوع داشته است.
2. نکته اشتراک این روایات، اجمال‌گویی آنهاست.
3. در این دوره طرفداران امامت محمد بن حنفیه و شکل‌گیری تفکر کیسانیه نشان از آن دارد که غیبت باوری در محدوده‌ای، هر چند کوچک، خود را نشان داده است.

4. غیبت در کلام امام زین العابدین □

حدود پنج روایت درباره غیبت از امام سجاد □ گزارش شده است. این روایات را افرادی چون امام صادق به واسطه پدرشان،^{۲۸} سعید بن جبیر،^{۲۹} ابو حمزه ثابت بن دینار،^{۳۰} ابو خالد کابلی^{۳۱} و عمرو بن ثابت^{۳۲} از ایشان نقل کرده‌اند. تمام این روایان - که در شمار شاگردان زین العابدین هستند - از وثاقت و ویژه‌ای برخوردارند. تنها درباره عمرو بن ثابت گمانه‌هایی از جانب ابن غضائری مطرح است که دیگرانی چون کثی و حلی آن را نپذیرفته و بر مدح وی تأکید دارند.

در این روایات از مسأله غیبت با عباراتی همانند «الغیبة»^{۳۳} غائب مستور،^{۳۴} غیبتین^{۳۵} تعبير شده است.

26. ر.ک: *کمال الدین*، ص 314 تا 318. گفتنی است که روایت اول از امام حسن است. آن حضرت جریانی را از برخورد امام علی و خضر بیان فرموده‌اند و مطالب از امام علی است و امام حسن تنها راوی ماجراست. اگر این روایت را روایت امام حسن برشماریم، تعداد روایات ایشان در مسأله غیبت دو تا خواهد شد و در مجموع، از حسنین چهار روایت در این باره در کتاب مذکور آمده است.

27. *کمال الدین*، ص 317، ح 2.

28. همان، ص 207، ح 22.

29. همان، ص 321، ح 3.

30. همان، ص 328، ح 8.

31. همان، ص 319، ح 2.

32. همان، ص 323، ح 7.

33. همان، ص 319، ح 2 و ص 321، ح 3 و ص 323، ح 7.

اسناد این روایات تأمل برانگیز است و در هر سند دست کم یک یا چند نفر ناشناخته وجود دارد؛ اما متن آنها قابل پذیرش است و بیشتر، به طور اجمالی، از غیبت یاد کرده‌اند و چنان‌که انتظار می‌رود، در این روایات از امام عصر با عنوان «قائم» یاد شده است و جامعه شیعه با این واژه بیگانه نبوده، و لی مصداق آن را نمی‌دانستند.

تنها روایت ابو خالد کابلی به صورت متعین از قائم و حوادث آن دوران (مانند جریان جعفر کذاب و صدمات او) یاد کرده است که البته این گونه بیان در سال‌های پایانی سده اول تأمل برانگیز است.

چنان‌که ملاحظه شد، تعداد روایات صادر شده از معصومان در سده نخست هجری در پیشگویی غیبت بسیار اندک، مجمل و برای افراد ویژه بوده است. بنا بر این، نمی‌توان انتظار داشت که جامعه شیعی از غیبت آگاه بوده‌اند؛ چه این‌که اساساً نمی‌توانستند تصور درستی هم نسبت به آن داشته باشند.

مرحله دوم. دوره تصریح (نیمه اول قرن دوم هجری)

1. غیبت در کلام امام باقر □

شمار روایاتی که امام باقر □ درباره غیبت فرموده‌اند، بیشتر از روایات امامان پیشین ایشان است. اگر چه تعداد این روایات قابل توجه است، اما با دقت در اسناد روایات متوجه می‌شویم که نفراتی که بی‌واسطه از امام باقر روایت کرده‌اند، انگشت شمارند و این تعددها مرون تعددروایان طبقات بعدی است. اسامی روایان بی‌واسطه از امام باقر، به ترتیب الفبا، عبارت‌اند از:

ابراهیم ابن عمر الیمانی،^{۳۶} أبو بصیر (هفت روایت)،^{۳۷} أبو جارود (دو روایت)،^{۳۸} ام هانی (سه روایت)،^{۳۹} جابر،^{۴۰} زرارة (سه روایت)،^{۴۱} عبد الملک بن أعین^{۴۲} و محمد بن مسلم الثقفی^{۴۳} و معروف بن خربوذ^{۴۴}.

غیر از ام هانی - که ناشناخته است - بقیه افراد از بزرگان و معتمدان امام باقر و شیعه هستند. چهار نفر از ایشان در شمار گروه اول از اصحاب اجماع هستند. البته زیاد بن منذر ابوالجارود نیز در امامی بودن و زیدی بودنش تردید است، ولی می‌توان وثاقت و

34. همان، ص 207، ح 22.

35. همان، ص 328، ح 8.

36. الغیبة (نعمانی)، ص 171، ح 3.

37. همان، ص 164، ح 5 و ص 172، ح 7؛ *دلائل الامامة*، ص 535، ح 520؛ *کمال الدین*، ص 325، ح 3 و ص 329، ح 11؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 158، ح 115 و ص 162، ح 121 و ص 163، ح 125 و ص 424، ح 408؛ *مختصر بصائر الدرجات*، ص 195.

38. *کمال الدین*، ص 326، ح 5؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 154، ح 12؛ *دلائل الامامة*، ص 455، ح 435.

39. *الکافی*، ج 1، ص 341، ح 22 و ح 23 و ص 324، ح 1 و ص 330، ح 14؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 159، ح 116؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 149، ح 6 و ص 150، ح 7.

40. *کمال الدین*، ص 330، ح 15.

41. *الغیبة* (نعمانی)، ص 176، ح 18 و ح 19 و ص 177، ح 20؛ *کمال الدین*، ص 481، ح 8 و ح 9.

42. *الغیبة* (نعمانی)، ص 176، ح 19.

43. *کمال الدین*، ص 327، ح 7؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 173، ح 8؛ *کشف الغمّة فی معرفة الائمة*، ج 3، ص 329.

44. *الکافی*، ج 1، ص 338، ح 8.

ملازمتش با امام باقر را پذیرفت. هر چند ام هانی و بعضی از اسامی سند روایتش ناشناخته‌اند، اما به نظر می‌رسد که کلینی و صدوق روایت او را به عنوان دلیل نیاورده‌اند، بلکه به دید مؤید به آن نگریسته‌اند؛ چه این‌که روایات دیگری را در ابواب مربوط با اسناد معتبر گزارش کرده‌اند.

گذشته از روایات ام هانی، دیگر گزارش‌های متعدد فوق اطمینان به صدور را همراه دارد، اما قراین مختلف، بیانگر آن است که از جهت کمی، این گونه روایات در محافل فوق‌العاده خاص و برای خواص بیان شده است. و دلیل متقنی از بیان عمومی مباحث غیبت در دست نیست.

بررسی محتوایی

1. در بیشتر این روایات - چنان‌که شیوه اهل بیت بوده - از حجت غایب با عنوان «قائم» یاد شده است. روایات این دوران بیانگر آن است که اعتقاد به قائم در بین شیعه ریشه دوانیده است، اما این که قائم کیست و قیامش در چه زمانی است، مورد سؤال بوده است؛ حتی در مواردی گمان رویان این است که چه بسا قائم خود امام باقر است و از ایشان در این باره پرسش می‌کنند.

گاهی نیز امام پنجم با عنوان «غلام: جوان»،^{۴۵} «صاحب هذا الامر»^{۴۶} و یا «مهدی»^{۴۷} از ایشان یاد می‌کنند.

2. مفاد روایات گویای حقایق از غیبت است و این نخستین باری است که اهل بیت به زوایای گوناگونی از غیبت می‌پردازند؛ مثلاً در روایت امام باقر وجود و حتمیت غیبت و همراهی آن با سرگردانی و حیرت شیعیان بیان شده است^{۴۸} و گفته شده که قیام به یقین، پس از غیبت خواهد بود،^{۴۹} و قائم دو غیبت پیش‌رو دارد.^{۵۰} و حتی به سال غیبت نیز اشاره شده است.^{۵۱} همچنین، از چرایی غیبت نیز امام سخن گفته‌اند.^{۵۲}

3. به نظر می‌رسد که در میان این روایات ظهور و قیام نزدیک جلوه داده شده است، به گونه‌ای که امام به مخاطبان خود می‌گوید: «إن أدركت زمانه قرت عينك»^{۵۳}. «اذا سمعتم به فأتوه و لو حبوا علی الثلج»^{۵۴}. «یا طوبی لک إن أدركتیه، و یا طوبی لمن

45. الغيبة (نعمانی)، ص 177، ح 20.

46. الغيبة (نعمانی)، ص 171، ح 3؛ الغيبة (طوسی)، ص 162، ح 121.

47. کمال الدین، ص 330، ح 14.

48. «تكون له حيرة و غيبة يضل فيها أقوام، ويهتدي فيها أقوام». (همان، ص 330، ح 14)

49. «إن الغلام غيبة قبل أن يقوم». (الغيبة (نعمانی)، ص 177، ح 20)

50. «إن للقائم غيبتين يقال له في إحدیهما: هلك ولا يدري في أي واد سلك». (الغيبة (نعمانی)، ص 173، ح 8)

51. «إمام یخس سنة ستین و مانتین، ثم یظهر کالشهاب یتوقد فی اللیلة الظلماء». (الکافی، ج 1، ص 341، ح 22 و ح 23) علامه مجلسی می‌نویسد در این سال امام عسکری وفات یافت و امامت قائم و غیبت آغاز شد. گفتنی است اسناد این دو روایت الکافی در میان روایات دیگر امام باقر ضعیف‌ترین اسناد است. گذشته از این، بیان سال غیبت با روایات مشابه سازگار نیست.

52. «قلت: و لم قال: یخاف - و أوماً بیده إلی بطنه - قال زرارة: یعنی القتل. (کمال الدین، ص 481، ح 9)

53. الکافی، ج 1، ص 341، ح 22.

54. کمال الدین، ص 326، ح 5.

آدرکه».⁵⁵ هر چند می‌توان احتمال داد که شیوه سخن گفتن، چنین اقتضایی داشته است و ضرورتاً تلازمی با زمان قیام ندارد.

4. در یکی از روایات امام باقر آمده است که «صاحب هذا الامر» دارای سنی از پیامبران است؛ سنت به ارث برده او از یوسف «السجن والغیبة»⁵⁶ است. آوردن عبارت «سجن»، با تمام روایات مشابه، حتی از امام باقر، سازگار نیست. دو احتمال قابل تأمل است؛ اول آن‌که در سند این روایت، نام دو تن از واقفیان دیده می‌شود: «حسن بن علی بن ابی حمزة از رؤسا و بزرگان واقفی» و «عبد الله بن جبلة». بعید نیست آنان برای اثبات قائم بودن امام کاظم از مسأله زندان ایشان سوء استفاده کرده باشند و روایات را این‌گونه تحریف کرده باشند. احتمال دوم، آن است که تصحیف رخ داده است و عبارت «الحیره» تبدیل به «السجن» شده باشد. مؤید این نکته، روایات مشابه است، بویژه آن‌که بعضی از آنها را همین راوی (ابو بصیر) از امام باقر □ روایت کرده است:

و روی أبو بصیر، عن أبي جعفر □ قال: في القائم شبه من يوسف، قلت: وما هو؟ قال: الحيرة والغیبة.⁵⁷

اکنون متن کامل یکی از روایات امام باقر □ را می‌خوانیم:

زراره گوید از امام باقر شنیدم که می‌فرمود: برای قائم غیبتی است، پیش از آن‌که ظهور کند. پرسیدم که دلیل غیبتش چیست؟ فرمود: می‌هراسد - و به شکمش اشاره کرد - زراره گفت: مقصود، کشتن است.⁵⁸

بنا بر آنچه گذشت، تردیدی نیست که بحث غیبت در عصر امام باقر مطرح شده است، ولی باید توجه داشت که این آغازین بیانات امامان در این باره با خواص جامعه شیعی است. دانشمندان شیعه نیز هنوز تصویری درست از غیبت نداشتند و این بسیار طبیعی است؛ چرا که تا عصر امام باقر هیچ زمانی نبوده که شیعیان از ارتباط با امام به طور کامل محروم باشند. از این رو، لذا اگر کسانی همچون زراره نیز از هضم مسأله غیبت در آغاز آگاهی از آن، متعجب می‌شوند، ایرادی بر آنها نیست.⁵⁹

2. غیبت در کلام صادق آل محمد □

مسأله غیبت در عصر امام صادق □، بیش از دوران‌های پیش مطرح گردید. فزونی روایات، تعدد روایان و گوناگونی روایات، بیانگر آن است که مطالب مربوط به غیبت برای بیشتر خواص، تقریباً روشن شده بود و در میان روایان گفتگو‌هایی در باره این مسأله دیده می‌شود.

بی‌تردید، شرایط سیاسی این دوران تأثیر مستقیمی در گسترش این مباحث داشته است؛ چه این‌که نازعات موجود بین عباسیان و امویان سبب شده بود شیعیان در ناملازمات پیش آمده انتظار قیام قائم را در میان آل محمد داشته باشند و در مواردی هم از امام صادق درخواست قیام می‌کنند. گذشته از مردم کوفه - که در این دوران، بسیاری از شیعیان آن، در ارادت به

55. همان، ص330، ح 14.

56. الغیبة (نعمانی)، ص164، ح 5.

57. الغیبة (طوسی)، ص163، ح 125.

58. کمال الدین، ص481، ح 9.

59. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ج1، ص375، ش 260.

اهل بیت زبازند هستند، حتی شیعیان خراسان نیز- که در دوردست‌ترین مکان‌های بلاد اسلامی به سر می‌برند - بی‌صبرانه در انتظار قیام قائم هستند.^{۶۰}

در چنین فضایی باید امام، شیعیان را از غیبت پیش از قیام آگاه کند و به آنان بگوید که غیبت قائم حتمی است و علائمی دیگر از قائم را هویدا سازد. در روایاتی با عبارت «لا بد» از وقوع غیبت یاد شده که به نظر می‌رسد به همین منظور است.^{۶۱}

بررسی سندی

تعداد روایان غیبت از امام صادق ع چشمگیر است. اسامی این افراد، به ترتیب الفبا، چنین است:

أبو بصیر،^{۶۲} إسحاق بن عمار،^{۶۳} حازم بن حبیب،^{۶۴} حماد بن عبد الکریم الجلاب،^{۶۵} حمیری،^{۶۶} زرارة بن أعین،^{۶۷} زید الشحام،^{۶۸} سدید الصیرفی،^{۶۹} صفوان بن مهران،^{۷۰} عبد الاعلی مولى آل سام،^{۷۱} عبد الرحمن بن سیابة،^{۷۲} عبد الله بن أبی یعفر،^{۷۳} عبد الله بن الفضل الهاشمی،^{۷۴} عبد الله بن سنان،^{۷۵} عبید بن زرارة،^{۷۶} علی بن عمر بن علی بن الحسین ع،^{۷۷} محمد بن مسلم الثقفی،^{۷۸} مسعدة بن صدقة،^{۷۹} مفضل بن عمر،^{۸۰} هشام بن الحکم،^{۸۱} یحیی بن أبی القاسم^{۸۲} و یمان التمار.^{۸۳}

60. ر.ک: *الکافی*، ج 1، ص 231، ح 3.
61. مانند: لا بد للغلام من غيبة. *الکافی*، ج 1، ص 342، ح 29 و یا: لا بد لصاحب هذا الامر من غيبة ولا بد له في غيبته من عذلة. (همان، ج 1، ص 340، ح 16)
62. همان، ج 1، ص 340، ح 16؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 160، ح 118؛ *کمال الدین و تمام النعمة*، ص 345، ح 31 و ص 358، ح 55.
63. *الکافی*، ج 1، ص 340، ح 19.
64. *الغیبة* (نعمانی)، ص 172، ح 6؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 423، ح 407.
65. *الغیبة* (نعمانی)، ص 155، ح 14؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 423، ح 406.
66. *کمال الدین*، ص 33 و ص 342، ح 23.
67. *الکافی*، ج 1، ص 338، ح 9 و ص 339، ح 12 و ص 340، ح 18 و ص 342، ح 29؛ *کمال الدین*، ص 342، ح 24 و ص 346، ح 33 و ص 440، ح 7 و ص 351، ح 49.
68. *کمال الدین*، ص 136، ح 6.
69. همان، ص 480، ح 6؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 167، ح 129.
70. *کمال الدین*، ص 333، ح 1 و ص 341، ح 22 و ص 411، ح 5.
71. *الغیبة* (طوسی)، ص 163، ح 123.
72. *کمال الدین*، ص 347، ح 36.
73. همان، ص 338، ص 12 و ص 410، ح 4.
74. همان، ص 481، ح 11؛ *الصراط المستقیم*، ج 2، ص 237.
75. *کمال الدین*، ص 340، ح 18 و ص 152، ح 14؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 159، ح 4.
76. *الکافی*، ج 1، ص 337، ح 6 و ص 339، ح 12؛ *کمال الدین*، ص 346، ح 33 و ص 440، ح 7 و ص 351، ح 49.
77. *الغیبة* (نعمانی)، ص 189، ح 44.
78. *الکافی*، ج 1، ص 338، ح 10؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 158، ح 1.
79. *اثبات الوصية*، ص 225.
80. *الکافی*، ج 1، ص 333، ح 1 و ص 336، ح 3 و ص 338، ح 11 و ص 340، ح 20؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 171، ح 5؛ *الغیبة* (طوسی)، ص 61، ح 60 و ص 161، ح 120؛ *کمال الدین*، ص 337، ح 10 و ص 339، ح 16.
81. *دلائل الامامة*، ص 535، ح 519.
82. *کمال الدین*، ص 340، ح 20 و ص 17.
83. *الکافی*، ج 1، ص 335، ح 1؛ *الغیبة* (نعمانی)، ص 169، ح 11.

در میان این روایان، زرارة بن أعین و مفضل بن عمر و پس از این دو، ابو بصیر بیشترین حدیث غیبت را از امام صادق نقل کرده‌اند. سه راوی نیز به صورت مشترک، از صادقین □ روایات غیبت را گزارش کرده‌اند که عبارت‌اند از: ابو بصیر، زرارة و محمد بن مسلم ثقفی. شاید همین اشتراک‌ها سبب شده بعضی از روایات - که از جهت متنی یکی است - در نقلی به امام باقر و در نقل دیگر به امام صادق نسبت داده شود؛ به عنوان نمونه به این متن توجه کنید:

... عن ابن بکیر، عن زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ □ يَقُولُ: إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ إِنَّهُ يَخَافُ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ يَعْنِي الْقَتْلَ؛⁸⁴

زراره گوید: شنیدم می‌فرمود: به راستی قائم □ پیش از آن‌که قیام کند، غیبتی دارد؛ زیرا بر جان خود می‌ترسد و با دستش اشاره به شکمش کرد، یعنی از کشتن.

متن حدیث فوق در حدود نه بار از زراره با اسناد مختلف، در کتاب‌های گوناگون نقل شده است.⁸⁵ تعدد نقل یک متن واحد قابل بررسی است. مطلب آخر، این‌که در اسناد روایات امام صادق در مسأله غیبت، تعداد قابل توجهی از اسناد صحیح و یا موثق هستند؛ به گونه‌ای که یقین به صدور حاصل گردیده و افزون بر آن، خواننده اطمینان می‌کند که بنای امام آن بوده که مباحث غیبت را پررنگ‌تر از گذشته بیان نماید.

موضوعات روایات

تنوع مطالب موجود در روایات امام صادق گویای آن است که آن حضرت به زوایای مختلفی از غیبت اشاره کرده‌اند تا بدین روش مخاطبان را از چند و چون غیبت آگاه ساخته و زمینه آمادگی برای مدتی به دور از امام زیستن را فراهم آورند. موضوعات اصلی در روایات آن امام را می‌توان در موضوعات زیر مشاهده کرد:

1. وقوع یقینی غیبت،⁸⁶
2. اوصاف غیبت: (مانند طولانی بودن دوران غیبت،⁸⁷ دوگانه بودن آن،⁸⁸ عدم دستیابی به امام،⁸⁹ حیرت و گرفتاری‌های شیعه در عصر غیبت⁹⁰)،
3. بن مایه‌های غیبت در ادیان پیشین،⁹¹
4. چرایی غیبت.⁹²

84. الکافی، ج 1، ص 340، ح 18.
 85. در بعضی موارد زراره شنیده خود را به امام باقر □ نسبت می‌دهد (الغیبة (نعمانی)، ص 176، ح 19 و ص 177، ح 20؛ کمال الدین، ص 481، ح 9) و در بعضی موارد به امام صادق □ (الکافی، ج 1، ص 337، ح 5 و ص 338، ح 9؛ کمال الدین، ص 342، ح 24).
 86. ر.ک: الکافی، ج 1، ص 336، ح 3 و ص 338، ح 11 و ص 340، ح 16؛ الغیبة (نعمانی)، ص 151، ح 9 و ص 188، ح 41؛ کمال الدین، ص 347، ح 35 و ص 342، ح 23 و ص 481، ح 11؛ الغیبة (طوسی)، ص 337، ح 285؛ بحار الأنوار، ج 42، ص 79، ح 8 و ج 51، ص 145.
 87. الغیبة (طوسی)، ص 161، ح 120.
 88. الکافی، ج 1، ص 339، ح 12 و ص 340، ح 19 و ح 20.
 89. همان، ج 1، ص 333، ح 1 و ص 337، ح 6.
 90. کمال الدین، ص 345، ح 31 و ص 347، ح 36.
 91. ر.ک: همان، ص 136، ح 6 و ص 152، ح 14 و ص 340، ح 18 و ص 352، ح 50 و ص 480، ح 6؛ الغیبة (طوسی)، ص 167، ح 129.

درنگی در روایات امام ششم

- به نظر می‌رسد که مباحث غیبت در دوره طولانی امامت امام صادق به تدریج، بیان شده است. در ابتدا، امام می‌گوید اصل غیبت را انکار نکنید: «إن بلغکم عن صاحب هذا الامر غیبة فلا تنکروها». نظیر این مطلب را امام هم به محمد بن مسلم^{۹۳} و هم به ابو بصیر^{۹۴} فرموده است. اما در دوره‌های بعدی، امام به حتمیت آن تصریح و قاطعانه می‌فرمودند: «إن لأصحاب هذا الامر غیبة لا بد منها یرتاب فیها کل مبطل»^{۹۵} و در نهایت، به بیان زوایای گوناگون این رخداد عظیم اشاره می‌کنند.

- روایات مربوط به غیبت از اجداد امام صادق در دست، حد اقل، خواص بوده است؛ چه این‌که حمیری به امام می‌گوید: «فقلت له: یا ابن رسول الله! قد روی لنا أخبار عن أبائک فی الغیبة و صحّة کونها، فأخبرنی بمن تقع»^{۹۶}. بنا بر این، حمیری رخداد غیبت را مسلم دانسته و تنها می‌پرسد که: (فأخبرنی بمن تقع؟)

- به نظر می‌رسد که از مهم‌ترین مأموریت‌های امام، آماده‌سازی شیعه برای غیبت بوده است؛ چه این‌که امام برای نیل به این هدف بزرگ، از فرصت‌ها به خوبی بهره‌برداری کرده‌اند؛ مثلاً امام نظرش به کوه رضوی می‌افتد، به یار همراه خود عبد الاعلی مولى آل سام می‌فرماید:

تری هذا الجبل هذا جبل یدعی رضوی من جبال فارس أحبنا فنقله الله إلینا، أما إن فیہ کل شجرة مطعم، و نعم أمان للخائف مرتین. أما إن لأصحاب هذا الامر فیہ غیبتین، واحدة قصيرة، و الاخری طویلة.^{۹۷}

- بیان غیبت در جلسات عمومی واقع در منزل امام - که ظاهراً باید فقط شیعیان ویژه‌ای بوده باشند - از نکات ویژه در روایات امام صادق است که پیش‌تر سابقه نداشته است.

92. الکافی، ج 1، ص 336، ح 2 و ص 359، ح 1؛ الغیبة (نعمانی)، ص 154، ح 11؛ کمال الدین، ص 315، ح 2 و ص 287، ح 7؛ الغیبة (طوسی)، ص 166، ح 128.

93. الکافی، ج 1، ص 338، ح 10.

94. الغیبة (طوسی)، ص 160، ح 118.

95. کمال الدین، ص 481، ح 11.

96. همان، ص 33 و ص 342، ح 23.

97. الغیبة (طوسی)، ص 163، ح 123. نمونه‌های دیگر: الغیبة (نعمانی)، ص 159، ح 4 و ص 172، ح 6؛ کمال الدین، ص 347، ح 36.

گزارشی را مفضل نقل می‌کند که در ابتدای آن آمده است: «كنت عند أبي عبد الله □ و عنده في البيت أناس»^{۹۸} و تمام ضمایر روایت نیز به صورت جمع آمده است.^{۹۹}

- در عصر امام صادق همچنان غیبت در ردیف اسرار باقی مانده است، اما گستره آگاهان از اسرار بیشتر شده است؛ چه این‌که امام به مفضل گوید: «لا تحدث به السفل فذیعونه»^{۱۰۰} بنا بر این، بسیاری از خواص شیعیان از اصل مسأله غیبت آگاه بودند.

مرحله سوم. دوره تثبیت (نیمه دوم قرن دوم هجری)

1. غیبت در کلام امام کاظم □

تنها پنج نفر از یاران امام کاظم □ مطالبی را درباره غیبت از ایشان روایت کرده‌اند. این پنج نفر عبارت‌اند از «علی بن جعفر»^{۱۰۱}، أبو أحمد محمد بن زیاد الازدی (= محمد بن ابی عمیر)،^{۱۰۲} یونس بن عبد الرحمن،^{۱۰۳} عباس بن عامر^{۱۰۴} و داود بن کثیر رقی^{۱۰۵}. غیر از داود بن کثیر، چهار نفر دیگر از بزرگترین راویان شیعه هستند^{۱۰۶، ۱۰۷}.

نکاتی در باره روایات امام کاظم □

1. بیشتر این روایات صحیح هستند؛ مانند یکی از دو روایت علی بن جعفر در *کمال الدین*،^{۱۰۸} روایت ابن ابی عمیر،^{۱۰۹} روایت یونس بن عبدالرحمان^{۱۱۰} و روایت عباس بن عامر.^{۱۱۱}
2. در این روایات، بیشتر به «چرایی غیبت» و «لوازم آن» پرداخته شده است و نشان می‌دهد که اصل غیبت برای خواص به خوبی جا افتاده است.
3. استفاده از عبارت دقیق «الخامس من ولد السابع»، برای معرفی صاحب الامر و پیشگیری از استفاده‌های سودجویانه جریان واقفیان است.

-
98. *الکافی*، ج 1، ص 338، ح 11
99. مسعدة بن صدقه نیز روایتی از امام صادق نقل می‌کند که گویا در خطابه‌ای جمعی امام سخن گفته‌اند چه این‌که می‌گوید: «قال في خطبة له». (*اثبات الوصية*، ص 225)
100. *الغيبة* (طوسی)، ص 164، ح 126.
101. *کمال الدین*، ص 359، ح 1 و ص 360، ح 3؛ *الغيبة* (طوسی)، ص 160، ح 117 و ص 166، ح 128 و ص 337، ح 284؛ *دلائل الامامة*، ص 534، ح 516.
102. *کمال الدین*، ص 368، ح 6.
103. همان، ص 361، ح 5.
104. همان، ص 360، ح 2.
105. همان، ص 361، ح 4.
106. سه نفر نخست را همگی به جلالت و بزرگی می‌شناسند. نفر چهارم جناب عباس بن عامر هم بسیار موثق و محترم بوده است و نجاشی او را شیخ صدوق، ثقه و کثیر الحدیث خوانده است. (*رجال النجاشی*، ص 281، ش 744)
107. داود بن کثیر نیز گرچه توسط نجاشی و ابن غضایری تضعیف شده است، ولی ابن فضال، کشی، ابن قولویه، شیخ مفید و شیخ طوسی او را ستوده‌اند.
108. *کمال الدین*، ص 360، ح 3.
109. همان، ص 368، ح 6.
110. همان، ص 361، ح 5.
111. همان، ص 360، ح 2.

4. حالت آماده‌سازی برای غیبت - که پیش از این توسط صادقین^ع آغاز شده بود - همچنان ادامه دارد. این آماده‌سازی‌ها به همان شیوه‌های پیشین، مانند استفاده از فرصت‌ها و یا سؤال به صورت مطلق پی گرفته می‌شود: «إذا فقدتم إمامکم فلم تروه فماذا تصنعون»¹¹².

5. از فضای روایات می‌توان دریافت که در این برهه، نه تنها خواص، بلکه جمعی از عموم شیعه نیز با مسأله غیبت آشنا شده‌اند.

2. غیبت در کلام امام رضا^ع

انتظار قیام قائم از خاندان پیامبر خدا در دوران امام رضا بیشتر قوت گرفت؛ چه این‌که پس از شهادت امام کاظم و ادعای گروه واقفیان تا مدتی شک و تردید در بدنه جامعه شیعی گسـ ترش پیـ دا کرد. هر چند در گذر زمان بیشتر شیعیان به امامت امام رضا شهادت دادند و وقتی که امام ولایت عهدی را پذیرفت، آرامشی در دل‌های شیعیان نشست که قیام قائم با این پذیرش امام سـ رعت مـ یـ یابـ د و چه بسا قائم خود اوست. این برداشت با روایات قبلی - که انجام قیام را پس از شک و تردیدها در دوران غیبت پیش‌بینی کرده بود - سازگاری داشت؛ چه این‌که شیعه از آن حالـ ت تردید دهای پـ س از شـ هادت امام هفتم خارج شده بود و نزدیکی حکومت عباسی به امام و پذیرش ولایت عهدی را زمینہـ سـ از قیام و حکومت قائم ارزیابی می‌کرد. این مطلب را از فضای حاکم بر روایات غیبت از امام هشتم می‌توان برداشت کرد؛ چنان‌که «ایوب بن نوح»¹¹³ و «ریان بن صلت»¹¹⁴ امیدوار بـ ود کـ صـ صاحب الامر امام رضا^ع باشند.

اشعار دعبیل خزاعی (شعر معروف به «مدارس آیات») نزد امام رضا^ع گویای آن است که شیعیان، بی‌تردید، منتظر خروج نزدیک امام عدل گستر بوده‌اند که البته امام در همان مجلس نیز سخن از حتمیت غیبت بر زبان می‌راند.¹¹⁵

به هر روی، در عصر امام رضا^ع بسیاری از مطالب مربوط به امام قائم در میان شیعه گسترش یافته بود و تقریباً جامعه خواص شیعه با راهنمایی‌های امام هشتم با بسیاری از زوایـ ای ناپیـ دای مسـ آله قیام آشنا شدند.

112. همان، ص 360، ح 3؛ الغیبة (طوسی)، ص 160، ح 117.
113. ایوب بن نوح گوید: به امام رضا عرض کردم: امیدوارم صاحب الامر تو باشی و خدا آن را بی شمشیر به تو برگرداند، با شما بیعت شده است و به‌نام شما سکه زده‌اند. (کمال الدین، ص 370، ح 1)
114. همان، ص 376، ح 7.
115. همان، ص 372، ح 6.

بررسی سندی

روایتهای مربوط به غیبت را این افراد از امام رضا روایت کرده‌اند: احمد بن زکریا،^{۱۱۶} ایوب بن نوح،^{۱۱۷} حسن بن علی بن فضل،^{۱۱۸} حسن بن محبوب،^{۱۱۹} حسین بن خالد،^{۱۲۰} دعبل بن علی الخزاعی،^{۱۲۱} ریان بن الصلت،^{۱۲۲} محمد بن ابی یعقوب البلخی.^{۱۲۳}

بیشتر اسناد روایات رضوی در این موضوع قابل اعتماد بوده و از جهت رجالی صحیح یا موثق شمرده می‌شوند و برای ارزیابی اطمینان به صدور حاصل می‌گردد.

نکاتی در باره روایات امام رضا

۱. تصریح و تعیین فرد قائم در بعضی از روایات رضوی مشهود است. عباراتی همچون «الرابع من ولدی»^{۱۲۴} و «الامام بعدی محمد ابنی، و بعد محمد ابنه علی، و بعد علی ابنه الحسن، و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبتة»^{۱۲۵} در بیشتر این روایات نگرانی شدید امام از سختی‌های شیعه در دوران غیبت به وضوح روشن است.

۳. به نظر می‌رسد که مسأله قائم برای شیعه از حالت کاملاً سرّی پیشین خارج شده و زمان آن رسیده که جامعه شیعه با او و حوادث پیرامونی آن آشنا شود، ولی همچنان نباید مخالفان از این جریانات آگاه گردند؛ چه این که امام در طلیعه سخنانش در باره قائم با حسین بن خالد به مسأله «ضرورت تقیه تا زمان قیام» اشاره می‌کنند.^{۱۲۶}

۴. امام، جامعه شیعه را برای پیروی از امام کوچک، خردسال و عدم انکار امام آماده می‌سازد.^{۱۲۷}

۵. پاره‌ای از روایات مربوط به غیبت از امام کاظم و امامان پیشین توسط واقفیان پس از شهادت امام هفتم در این دوره در میان عموم شایع شد. آنچه مهم است این است که پاره‌ای از روایات آنان ساختگی و یا تحریف شده است؛ به گونه‌ای که بیشتر آنها آشکارا

116. همان، ص 371، ح 4.

117. همان، ص 370، ح 1.

118. همان، ص 480، ح 4.

119. عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 9، ح 14.

120. کمال الدین، ص 371، ح 5.

121. همان، ص 372، ح 6.

122. همان، ص 376، ح 7 و ص 648، ح 2 و ص 370، ح 2.

123. الغیبة (نعمانی)، ص 180، ح 27.

124. کمال الدین، ص 376، ح 7 و ص 371، ح 5.

125. همان، ص 372، ح 6.

126. همان، ص 371، ح 5.

127. الغیبة (نعمانی)، ص 180، ح 27.

غایب و قائم را امام کـ _____ اظم معرفـ _____
کرده است.^{۱۲۸}

مرحله چهارم. دوره آماده‌سازی (نیمه اول قرن سوم هجری)

غیبت در کلام ائمه متأخر □

از امامان متأخر (یعنی امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری □) روایات ویژه‌ای در بـ _____
غیبت گزارش شده است. با مطالعه این روایات به این نکته رهنمون می‌شویم که لسان و
فضـ _____ ای
صدور آنها به کلی با روایات پیشین متفاوت است و هر چقدر به زمان غیبت نزدیک
مـ _____ می‌شـ _____ ویم،
عبارت‌ها متفاوت‌تر و تصریح‌ها آشکارتر است. همچنان برخی از شیعیان، مانند گذشته،
امیدوارنـ _____ د ک
امام عصرشان، یعنی امام جواد، قائم آل محمد □ باشد، حتی شخصیتی چون عبدالعظیم نیز
از این سر آگاه نیست.^{۱۲۹}
اما در دوران امام هادی □ و امام عسکری □ کسی انتظار ندارد که این دو بزرگوار قائم
آل محمد باشند؛ چراکه:

1. آنان کاملاً تحت مراقبت حکومت بوده و شیعه قیام آنان را تصور نمی‌کرد؛
 2. امام هادی □ بارها از امامت فرزندش امام حسن □ سخن گفته بود و شیعه در زمان حیات ایشان می‌دانستند امام بعدی کیست. در جریان وفات فرزند بزرگ امام - که امید امامت به او بود - امام در حضور عموم اعلام می‌دارند که امام بعدی امام حسن است و این گونه معرفی در دوره‌های پیشین امامت سابقه نداشته است؛
 3. بیانات متعدد امام هادی مبین آن است که غیبتی در راه است و آن پس از امامت امام بعدی است؛
 4. امام هادی از فرصت‌ها استفاده نموده و در برهه‌های مختلف از غیبت جانشین جانشینش سخن می‌گفت.
- دوران امام هادی را باید نقطه عطفی در تبیین مسأله غیبت دانست. گویا طلایی‌ترین فرصت برای آماده‌سازی مردم با قائم و حوادث بعدی، این دوران است.
- به عنوان نمونه، سه روایت از چهار روایت امام جواد □ درباره غیبت را جناب عبدالعظیم حسنی روایت کرده است. در هیچ کدام از آنها امام جواد برای ایشان، به صورت معین، امام قائم را معرفی نکرده‌اند و تنها به توصیفات و مسأله غیبت پرداخته‌اند؛ حال آن‌که وقتی عبدالعظیم در اواخر عمر به خدمت امام هادی □ رسیده و دینش را عرضه می‌دارد و یکایک امامان را تا امام هادی برمی‌شمرد، گویا از امامان بعدی ناآگاه است. امام در این روایت، او را این‌گونه راهنمایی می‌کند: «و من بعدی الحسن ابنی، فکیف للناس بالخلف من بعده». و عبدالعظیم - که نمی‌داند چه حادثی پس از جانشین جانشین امام

128. هفتاد روایت از واقعه را شیخ طوسی در *الغیبه* آورده است. (*الغیبه*، ص 43)

129. *کمال الدین*، ص 377، ح 2.

در راه است - می‌پرسد: «کیف ذاک یا مولای؟» و پاسخ می‌شوند که: «لانه لا یری شخصه و لا یحل ذکره باسمه حتی یخرج فیماً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً».^{۱۳۰} سؤالی که امام هادی بارها، پس از معرفی فرزندشان به عنوان جانشین امامت،^{۱۳۱} از شیعیان می‌پرسیدند، این است: «کیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟... لانکم لا ترون شخصه و لا یحل لکم ذکره باسمه».^{۱۳۲} این عبارات را می‌توان بارزترین معرفی و آماده‌سازی برای غیبت فرض کرد. امام، این گونه مطالب و سؤالات را از عوام و خواص شیعه حتی در نامه‌نگاری‌ها مطرح می‌کردند. متن چند نامه در دست است که در تمام آنها امام به کسانی همچون علی بن مهزیار^{۱۳۳}، علی بن محمد بن زیاد^{۱۳۴} و حتی در پاسخ به جماعت شیعه، مسائل مربوط به غیبت قریب الوقوع حجت آل محمد^{۱۳۵} را گوشزد می‌کردند. روایت زیر را صدوق گزارش کرده است:

علی بن عبد الغفار گوید چون ابو جعفر دوم در گذشت، شیعه به ابو الحسن صاحب العسکر^{۱۳۶} نوشتند و از او امر امامت پرسیدند. فرمود: تا زنده‌ام با من است و چون تقدیر خدای - عز و جل - به من نازل شود، جانشین من برای شما آید و چگونه خواهید بود با خلف بعد از این خلف.^{۱۳۵}

در دوران امام هادی بخش قابل توجهی از جامعه شیعه به خوبی با مسأله غیبت آشنا شده بودند. و چه بسا سختگیری‌های حکومتی بر امام حسن عسکری^{۱۳۷}، ناشی از همان هراس حاکمان از تولد قائم آل محمد بوده است. در دوران امام حسن عسکری، اگر پرستی را کسانی نظیر احمد بن اسحاق و یا محمد بن عثمان درباره جانشینی امام حسن مطرح می‌سازند، بدین جهت است که فرزندی را که پیش‌تر نوید ولادتش داده شده بود نمی‌دیدند. از این رو، امام، فرزند برومندشان را به این دو بزرگوار نشان می‌دهند، ولی آنان باید بدانند که: «هذا امر من امر الله، و سر من سر الله، و غیب من غیب الله»^{۱۳۶} است و بدین ترتیب، احمد - که به دنبال علامتی بر امامت و غیبت فرزند امام عسکری است - قلبش مطمئن می‌گردد.^{۱۳۷}

در دوران امام عسکری شیعیان فهیم خود به این نتیجه رسیده بودند که امام نباید در مرآی و منظر عموم باشد؛ چه این‌که ائمه متأخر همگی در سنین جوانی به شهادت رسیده‌اند و از سوی دیگر، شیعه آموخته که می‌تواند بدون حضور ظاهری امام آموزه‌های

130. کمال الدین، ص 379، ح 1؛ التوحید، ص 81، ح 37.

131. با عبارتی نظیر: الخلف من بعدی ابني الحسن.

132. کمال الدین، ص 381، ح 5 و ص 648، ح 4.

133. همان، ص 380، ح 2.

134. همان، ص 380، ح 3.

135. همان، ص 382، ح 8.

136. همان، ص 384، ح 1.

137. یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأمة مثل الخضر^{۱۳۸} و مثله مثل ذي القرنين، و الله لیغیبن غیبه لا ینجو فیها من الهلکة إلا من نبته الله - عز و جل - علی القول بامامته وقفه فیها للدعاء بتعجیل فرجه. فقال أحمد بن إسحاق: فقلت له: یا مولای! فهل من علامة بظمنن إلیها قلبی فنطق الغلام^{۱۳۹} بلسان عربی فصیح؟ فقال: أنا بقیة الله فی أرضه، و المنتقم من أعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عین، یا أحمد بن إسحاق. فقال أحمد بن إسحاق: فخرجت مسروراً فرحاً.

دینی‌اش را از وکیلان و عالمان دینی بیاموزد. پس اگر مدتی امام در نقطه‌ای دیگر حضور داشته باشد، به گونه‌ای که دست اجانب بدو نرسد، مایه خرسندی شیعه خواهد شد.

در روایات امام عسکری به دو نکته اشاره شده است:
نکته اول. حیرت و تردیدها در میان شیعه: «إن له غیبة یحار فیها الجاهلون، و یهلک فیها»

المبطلون، و یکذب فیها الوقتون»^{۱۳۸} و «إن لولدی غیبة یرتاب فیها الناس إلا من عصمه الله عزوجل».^{۱۳۹}

نکته دوم. اشاره به طولانی بودن غیبت: «طول الغیبة»،^{۱۴۰} «إن ابنی هو القائم من بعدی و هو الذی یجری فیہ سنن الانبیاء» بالتعمیر و الغیبة حتی تقسو القلوب لطول الامد».^{۱۴۱}

راویان غیبت در دوره امامان متأخر

راویان روایات غیبت از امام جواد عبارت‌اند از: «عبد العظیم بن عبد الله الحسنی،^{۱۴۲} صقر ابن اَبی دلف»^{۱۴۳} و از امام هادی «ابو هاشم داود بن قاسم جعفری،^{۱۴۴} بنان بن حمدویه،^{۱۴۵} داود بن قاسم،^{۱۴۶} عبد العظیم بن عبد الله الحسنی،^{۱۴۷} علی بن عبد الغفار،^{۱۴۸} علی بن محمد بن زیاد»^{۱۴۹} و علی بن مهزیار»^{۱۵۰} و نیز راویان از امام عسکری «أحمد ابن إسحاق بن سعد اشعری،^{۱۵۱} حسن بن محمد بن صالح بزاز،^{۱۵۲} محمد بن عثمان العمری»^{۱۵۳} و موسی بن جعفر بن وهب البغدادی»^{۱۵۴} هستند.

نتایج روایات پیشگویی اهل بیت

پس از بررسی روایات اهل بیت در پیشگویی غیبت این نتایج به دست آمد:

الف. در سده اول هجری

بیان مسأله غیبت به صورت اجمالی، اشارات کلی و بسیار سری بوده است. اگر در محفل هم گفته شده، اعضای آن از خواص و معتمدان اهل بیت بوده‌اند.

138. همان، ص 409، ح 9
139. همان، ص 409، ح 8
140. همان، ص 384، ح 1.
141. همان، ص 524، ح 4.
142. همان، ص 377، ح 1 و 2؛ الغیبة (نعمانی)، 186، ح 37.
143. کمال الدین، ص 378، ح 3.
144. همان، ص 381، ح 5 و ص 648، ح 4.
145. الغیبة (طوسی)، ص 162، ح 122.
146. الکافی، ج 1، ص 328، ح 13 و ص 332، ح 1.
147. التوحید، ص 81، ح 37.
148. کمال الدین، ص 382، ح 8.
149. همان، ص 380، ح 3.
150. همان، ص 380، ح 2.
151. همان، ص 384، ح 1 و ص 408، ح 7.
152. همان، ص 524، ح 4.
153. همان، ص 409، ح 9.
154. همان، ص 409، ح 8.

طبیعی است که از بیانات رمزگونه و اشاره‌ای، تصویری درست و یا تصدیقی منطقی برای مخاطبان حاصل نمی‌شود. بیان اجمالی در سده اول، تنها به جهت آشنایی و ایجاد خراش‌های ذهنی در اذهان بزرگان شیعه بوده است.

ب. در نیمه اول سده دوم

با توجه به حوادث سیاسی، ناآرامی‌ها و...، انتظار قیام قائم آل محمد در میان شیعیان گرفت. صادقین □ از فرصت پیش آمده برای معرفی قائم خوب استفاده کردند. در لابه‌لای معرفی مهدی، به پیش آمده‌های قبل و بعد از قیام نیز پرداخته شد، که از آن جمله مسأله غیبت و زوایای ناپیدای آن است. اگر چه روایات متعدد این دو امام نشان از شیوع مسأله غیبت دارد، اما همچنان به عنوان یک سر درون گروهی است که نباید فاش شود. از شیوه تعامل روایان این دوره می‌توان دریافت که نگاه آنان از یک تصور اجمالی از غیبت فراتر رفته است، ولی هنوز تا در تفصیلی آن فاصله دارند.

ج. در نیمه دوم قرن سوم

با زندانی شدن امام کاظم و دور از دسترس بودن ایشان، می‌رفت که شیعه، به تدریج، با غیبت آشنا شود و نه تنها دانشمندان بزرگ عصر امام کاظم و امام رضا از مسأله غیبت آگاه بودند، بلکه بخش‌هایی از عموم شیعیان نیز با مسأله ضرورت غیبت قائم آشنا شده بودند. از گزارش‌ها چنین بر می‌آید که امام رضا حتی در جلسات عمومی در خراسان - که حتماً جاسوسان حکومتی هم حاضر بوده‌اند - از مهدی، قیام و غیبت ایشان سخن به میان آورده‌اند.

با توجه به ادعای باطل و اقفیان، در این دوران، غیبت امام کاظم، زمینه خوبی برای نشر روایات صحیح غیبت توسط اندیشمندان امامیه پیش آمد.

د. در دوران ائمه متاخر □ (نیمه اول سده سوم هجری)

بخش قابل توجهی از جامعه شیعه به خوبی با مسأله غیبت آشنا شده بودند. روایات این دوران شیعه را برای غیبت آماده می‌کند و «غیبت» را بسیار «قریب الوقوع» معرفی می‌کند.

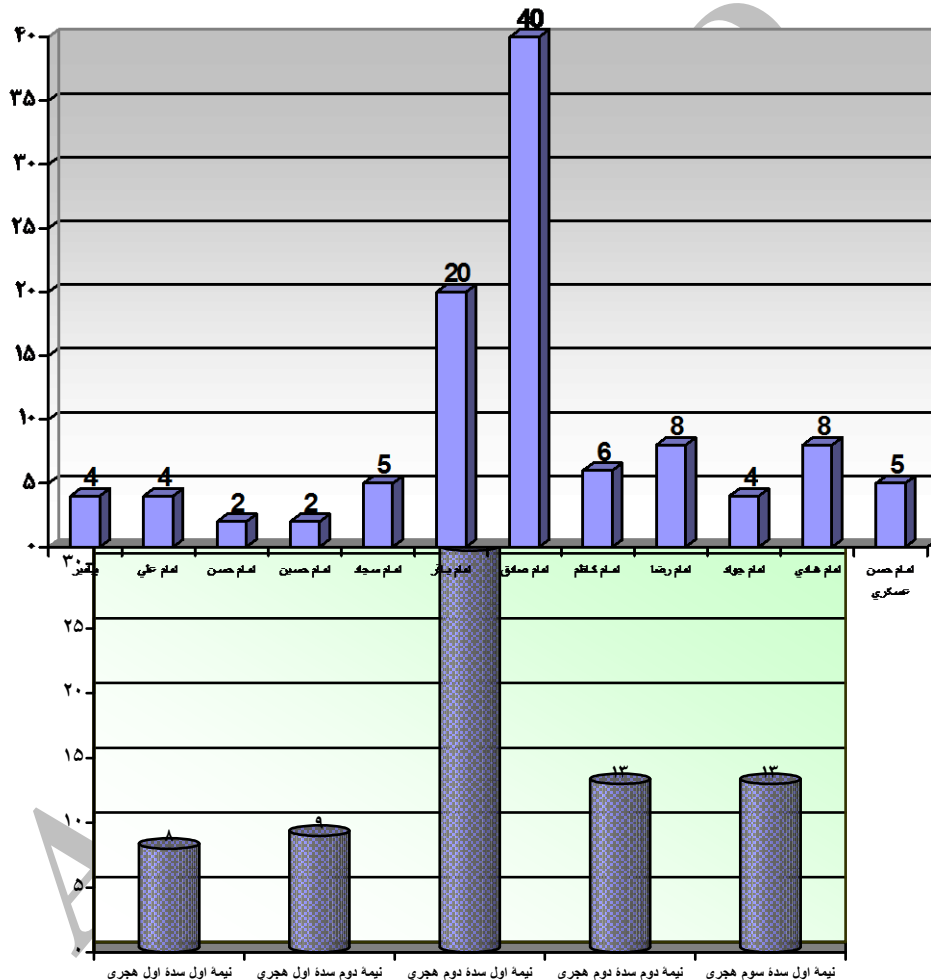
بیانات متعدد امام هادی کاملاً مبین آن است که غیبتی در راه است و آن پس از امامت امام بعدی است، و آن حضرت در برهه‌های مختلف از غیبت جانشین جانشینش سخن می‌گفت.

در دوران امام عسکری شیعیان فهیم خود به این نتیجه رسیده بودند که امام نباید در مرأ و منظر عموم باشد؛ چه این‌که ائمه متاخر، همگی، در سنین جوانی به شهادت رسیده‌اند و از س... وی دیگ... ر، شیعه آموخته که می‌تواند بدون حضور ظاهری امام آموزه‌های دینی‌اش را از وکیلان و عالم دینی بیاموزد.

بنا بر این، با توجه به آماده‌سازی‌های ائمه، پس از شهادت امام حسن عسکری \square و وقوع غیبت، جامعه شیعه، بدون هیچ‌تزلزل جدی و انشعابات متعدد، به خوبی غیبت را پذیرفت.

چند انشعاب پیش آمده در این دوران، طرفدارانی اندک به خود دیده و عمری کوتاه داشته‌اند. اکثریت جامعه شیعی مسئله غیبت را پذیرفتند و در انتظار پایان دوره غیبت و ظهور منجی گردیدند. به امید روزی که آن وجود نازنین از پس پرده رخ بنمایاند.

نمودار تعداد روایات مربوط به غیبت در گفتار معصومان



کتابنامه

- *إثبات الوصية للإمام علي بن ابي طالب*، علي بن حسين مسعودي، قم: مؤسسة انصاريان، 1417ق.
- *إختيار معرفه الرجال*، محمد بن عمر كشي، تحقيق: حسن المصطفوي، مشهد: دانشكده الهيأت و معارف اسلامي، 1348ش.
- *الإختصاص*، محمد بن محمد بن نعمان، تحقيق: علي اكبر الغفاري، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، 1416ق.
- *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، محمد بن محمد بن نعمان، بيروت: دار المفيد، مؤسسة آل البيت، 1414ق.
- *الأمالى*، محمد بن محمد بن نعمان، تحقيق: حسين الاستاد ولي، قم: جماعة المدرسين، 1412ق.
- *التوحيد*، محمد بن علي ابن بابويه، تهران: مكتبة الصدوق، 1398ق.
- *الخصال*، محمد بن علي ابن بابويه، تحقيق: علي اكبر الغفاري، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، 1414ق.
- *الرجال*، احمد بن حسين بن غضائري، تحقيق: محمد رضا الحسيني الجلالى، قم: دار الحديث، 1422ق.
- *الرجال*، حسن بن علي ابن داود حلى، تحقيق: محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الرضى.
- *الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم*، علي بن محمد نباطى، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، تهران: المكتبة المرتضوية، 1384ق.
- *الغيبية*، محمد بن ابراهيم النعماني، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: مكتبة الصدوق، بى تا.
- *الغيبية*، محمد بن حسن طوسى، قم: مكتبة بصيرى، 1385ق.
- *الكافى*، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية، پنجم، 1363ش.
- *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمد باقر مجلسى، بيروت: دار احياء التراث العربى، 1412ق.
- *بصائر الدرجات (الكبرى)*، محمد بن حسن صفار، تحقيق: محسن كوچه باغى.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، حسن بن علي ابن شعبه، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: كتابفروشى اسلاميه، 1354ش.
- *خصائص الأئمة*، محمد بن حسين شريف رضى، تحقيق: محمد هادى الامينى، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية، 1406ق.
- *دانشنامه اميرالمؤمنين*، محمد محمدى رى شهري، تحقيق: عبد الهادى مسعودى و...، قم: دار الحديث، 1381ش.
- «درآمدی بر غیبت‌نگاری»، مهدى غلامعلى، دوفصلنامه علمى - تخصصى حديث اندیشه، شماره 3، سال دوم، بهار و تابستان 86.
- *دلائل الإمامة*، محمد بن جرير طبرى املی، بيروت: مؤسسة الاعلمى، 1408ق.

- رجال النجاشی، احمدین علی نجاشی، تحقیق: محمد جواد النائینی، بیروت: دار الاضواء، 1408ق.
- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، نعمان بن محمد ابن حبیون، تحقیق: محمد الحسینی الجلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، 1409ق.
- عیون أخبار الرضاؑ، محمد بن علی ابن بابویه، تهران: منشورات الاعلمی.
- فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالبؑ، محمد بن احمد ابن شاذان، تحقیق: عبدالرحمن حویلد، بیروت: دار البلاغة، 1407ق.
- كشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، تحقیق: هاشم الرسولی المجلات، بیروت: دار الكتاب الاسلامی، 1401ق.
- كفاية الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر، علی بن محمد خزاز، تحقیق: عبد اللطیف الحسینی الكوه كمری، قم: بیدار، 1401ق.
- كمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: علی اكبر الغفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، 1390ق.
- مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان حلّی، قم: الرسول المصطفیؐ.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خویی، قم: مركز نشر الثقافة الاسلامیه، 1413ق.